

# هخامنشیان

آملی کورت

ترجمه مرتضی ثاقب فر

## فهرست

- ۵..... یادداشت مترجم
- ۱۴..... اختصارات
- ۱۵..... امپراتوری هخامنشی (حدود ۵۵۰-۳۳۰ ق.م)
- ۱۶..... الف) منابع
- ۲۶..... ب) پارسیان و مادها
- ۳۵..... ج) تشکیل امپراتوری (کوروش بزرگ)
- ۴۷..... فتح مصر
- ۵۲..... بحران در امپراتوری
- ۵۸..... د) تاریخ هخامنشی و مشکلات آن
- ۵۹..... سلطنت داریوش یکم
- ۶۶..... جبهه غربی، ۴۸۶ - ۴۳۱ ق.م
- ۷۰..... داریوش دوم و اردشیر دوم
- ۷۴..... اردشیر سوم و فتح مجدد مصر
- ۷۶..... سقوط شاهنشاهی ایران
- ۷۸..... ه) ساختار امپراتوری هخامنشی
- ۷۹..... جایگاه پادشاهی در باورهای ایرانیان
- ۹۲..... آیین‌های پادشاهی

- شاه، دربار و اشراف پارس ..... ۱۰۱
- ساتراپی‌ها و رعایا (ایالات و کنترل مرکزی) ..... ۱۰۸
- جاده‌ها ..... ۱۱۵
- زمین، کار و نیروی انسانی ..... ۱۱۸
- حکومت ایران، خودمختاری محلی و سنت‌های محلی ..... ۱۲۴
- فهرست منابع و مآخذ ..... ۱۳۷
- نمایه ..... ۱۵۳

## امپراتوری هخامنشی

(حدود ۵۵۰ - ۳۳۰ ق. م)

امپراتوری هخامنشی نخستین و بزرگ‌ترین امپراتوری یا شاهنشاهی ایران بود. پس از ایشان دودمان‌های پارسی (حدود ۱۴۰ ق. م - ۲۲۴ م) و ساسانی (۲۲۴ - ۶۵۱ م) بر این کشور فرمانروایی داشتند که معاصر امپراتوری روم و با آن در نبرد دائمی بودند و دولت‌های مهمی همچون هندوستان و چین نیز در همسایگی شرقی آن‌ها قرار داشتند. در دوره هخامنشی، بر خلاف دو سلسله بعدی، هیچ کشوری نمی‌توانست با قدرت این سلسله رقابت کند. نام سلسله هخامنشی از مؤسس یا سردودمان این سلسله به نام هخامنش گرفته شده است که دودمان پارسی او حدود دو قرن بر این امپراتوری فرمانروایی داشتند. تشکیل این سلسله از حدود سال ۵۵۰ ق. م با فتوحات بزرگ کوروش دوم یا کوروش کبیر (۵۵۹ - ۵۳۰ ق. م) و کمبوجیه دوم (۵۳۰ - ۵۲۲ ق. م) آغاز شد و بین سال‌های ۳۳۴ و ۳۲۳ ق. م با فتح ایران و سرزمین‌های زیر فرمانروایی هخامنشیان به دست اسکندر به پایان رسید. این شاهنشاهی بزرگ‌ترین امپراتوری جهان تا آن زمان بود و

قلمرو آن از هل سپون [داردائل] تا شمال هندوستان را در بر می‌گرفت. پیش‌تر دوره حکومت هخامنشیان کشور مصر را نیز شامل می‌شد و مرزهای آن به آسیای مرکزی تا قزاقستان امروزی می‌رسید.

### الف) منابع

منابع مطالعه امپراتوری ایران مشکلات خاصی دارند که چندان از پراکندگی آن‌ها ناشی نمی‌شود، بلکه بیش‌تر معلول گوناگونی فوق‌العاده آن‌ها به زبان‌ها و شکل‌های مختلف است. پیش از کاوش‌ها و حفاری‌های سده گذشته و رمزگشایی خطوط خاورمیانه باستانی، امپراتوری هخامنشی را بیش‌تر از طریق نوشته‌های باستانی به‌ویژه کتاب تواریخ هرودوت که در قرن پنجم پیش از میلاد نوشته شده است می‌شناختند. هدف اصلی هرودوت در این کتاب ستایش پیروزی‌های یونانیان بر ایرانیان میان سال‌های ۴۹۰ و ۴۷۸ ق.م بود، بنابراین، ارزش اطلاعاتی کتاب از دیدگاه وقایع‌نگاری تاریخی به دوره آغازین این امپراتوری محدود می‌شود. گرچه کتاب هرودوت از لحاظ گستردگی نواحی مورد بحث و جنبه‌های گوناگون امپراتوری بی‌همتاست، علاقه و توجه او در بحث در باره جزئیات بیش‌تر به مرزهای شمال غربی امپراتوری محدود می‌شود (Drews 1973; Briant 1990: 43-96). نویسندگان دوران باستان پس از هرودوت - غیر از مورخان اسکندر، مانند کتزیاس و گزنفون (آغاز قرن چهارم ق.م) - نیز از لحاظ جغرافیای سیاسی دچار همین محدودیت‌ها هستند. گرچه در مورد کتزیاس باید گفت که این محدودیت بیش‌تر در نقل قول‌هایی که از او در کتاب‌های دیگران

صورت گرفته به چشم می‌خورد تا نوشته‌های اصلی‌اش که اکنون مفقود شده‌اند. البته اثر نیمه‌فلسفی شگفت‌انگیز گزنفون به نام پرورش کوروش<sup>۱</sup> از این قاعده مستثناست. اما لحن موعظه‌گرانه کتاب، سبک داستانی و هدف آن که قصد دارد بنیانگذار شاهنشاهی ایران را فرمانروایی آرمانی نشان دهد که گویی جانشینان بعدی‌اش از میراث وی منحرف شده‌اند، حاکی از آن است که واقعیت‌های تاریخی تابع هدف بزرگ‌تری قرار گرفته‌اند، طوری که جدا کردن واقعیت از افسانه دشوار می‌نماید (Enclr Vol. 6: 512 - 514). ثروت و قدرت پادشاهان ایران نویسندگان یونان را مسحور ساخته بود و آنان در واکنش به این عظمت و جلال به نقل داستان‌هایی از دسیسه‌های درباری و انحطاط اخلاقی ناشی از نازپروردگی و رفاه و تجمل بی‌پایان می‌پرداختند. این داستان‌ها که شاهان ایران را به صورت شخصیت‌هایی ضعیف و اسیر توطئه‌های زنان قدرتمند و خواجهگان شرور ترسیم کرده‌اند در واقع روایت و بازتابی از هنجارهای اجتماعی و سیاسی خود یونان هستند که در ذهن ما اروپاییان رسوخ کرده است: تصویر شه‌ریاران بزدل و زن‌صفت ایران که طی قرن‌ها با نیرومندی بر ما نفوذ و گاه سلطه داشته‌اند و شاهنشاهی ایران را در تضاد با شجاعت و مردانگی «غربی»، قدرت «دیگری» به چشم خاورشناسان اروپایی نمایانده‌اند (Sancisi- Said 1978; Weerdenburg 1983a; 1987b; Hall 1989; 1993). ولی ما در هنگام مطالعه تاریخ شاهنشاهی ایران باید این حقیقت را در نظر بگیریم که برداشت عامیانه و فراگیری که در مورد نظام سیاسی این شاهنشاهی